بتوفیق خدائے سخن خالق انواع انشا و انسان

ساقی نامه

در مطبع محمدی بسعی حاجی [illegible] حسین انطباع یافت

بیمن توفیق خدا
در مطبع محمدی بسعی حاجی شیخ محمد حسین انطباع یافت

فهرست رساله قیافه و حسن شناخت خطوط دست و پای مرد و زن که از آن سعادت و شقاوت معلوم شود

فصل اول در معرفت قیافه مردان منشعب بدو شعبه

شعبه اول در حسن شناخت تمیز بچگان متنوع بدو نوع

نوع اول در بیان تمیز بچگان بحسب خصلت و سرشت	نوع دوم در بیان تمیز بچگان بحسب خلقت اعضا و صورت

شعبه دوم در حسن شناخت علامات خیر و شر و سعادت و شقاوت متنوع بسه نوع

نوع اول در حسن شناخت نشانهای خیر و شر از روی خلقت اعضا از سر تا پا

۶	۷	۸
پیشانی	خال پیشانی ابرو چشم بینی	گوش کام و زبان ذقن دهن لب دندان
۹ زنخ رخسار چهره دهان گردن	۱۰ پس گردن پشت بازو دست آرنج بند دست	۱۱ خال کف دست انگشت پستان استخوان پهلو شکم
۱۲ ناف ذکر منی	۱۳ ران موی ران ساق	۱۴ زانو پاشنه پشت پا کف پا ناخن
۱۵ انگشتان استخوانهای سینه پا ناخن	۱۶ آواز	

نوع دوم در شناخت خطوط دست و پا ۱۶		
۱۶ خطوط پیشانی و گلو و بند دست	۱۷ خطوط کف دست	۱۸ خطوط بندهای انگشتان
۱۹ چکر در انگشتان سنکه در بطن انگشتان پدم در بطن انگشتان	۲۰ کوڑهی	
نوع سوم در بیان قد ۲۰		
فصل دوم در بیان شناخت قیافه زنان از پا تا سر		
۲۱ کف پا پشت پا شکل پدم	۲۲ پاشنه شتالنگ ساق ران اندام نهانی	۲۴ سرین کمر ناف
۲۵ شکم سینه پشت بهونری بر پشت لمس بر پشت	۲۶ پستان کف دست و ناخن	۲۷ گردن گلو زنخدان غبغب
۲۸ دهان دندان تن و زبان زبان کام بینی	۲۹ رخسار چشم ابرو گوش پیشانی	۳۰ خال پیشانی موی سر موی پشم بسیار گوی دون [illegible]
تمت	۳۱ بوی تن تن و قد بسیار خوار بسیار خواب پرگو بسیار خشم	تمام شد

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان الله الحکیم الحمید الفعّال لما یرید الذی خلق العبید فمنهم شقی و سعید
والصلوة والسلام علی افضل الخلق و احسن الخُلق محمد المبعوث بالبینات
الفاتح لابواب الخیر والسعادات و علی آله و عترته الکرام و صحبه هداة الاسلام
بعد ازین مخفی مباد که این رساله ایست در علم قیافه و معرفت خطوط دست و پا
و غیر آن که علامت خیر و شر و سعادت و شقاوت مرد و زن از آن معلوم شود
و آن مشتملست بر دو فصل **فصل اول** در معرفت قیافه مردان منشعب بدو شعبه
شعبه اول در معرفت سی و دو خصلت یعنی خصائل سی و دو گانه و علامات
سی و دو گانه که دلالت بر خیر و سعادت کند و آن متنوعست بدو نوع
نوع اول در بیان سی و دو خصلت بحسب خصلت و سیرت بدین تفصیل اول حسن

حسن خلق و نیک محضری دوم شرم و حیا سوم حلم و بردباری چهارم حسن عقل و تفطن و صاحب فطرتی پنجم صلاح و تقوی ششم اصالت و نجابت هفتم خوبی طبع و صفای ذهن هشتم صاحب کمالی و عالی شانی نهم علم و هنر دهم تواضع و فروتنی یازدهم استقامت مزاج دوازدهم لطف و رحم سیزدهم تشرع و دینداری چهاردهم لطافت و ظرافت پانزدهم محبت و دلداری شانزدهم اعتدال مزاج و شهوت هفدهم زنده دلی و سبکروحی هیژدهم یاری با وخوش معاشی نوزدهم عصمت و عفت بستم کم خواری بست و یکم کم خوابی بست و دوم خدمتگاری مرشد و بزرگان بست و سوم حق گزاری اهل حقوق بست و چهارم کارهای خیر و ثواب کردن بست و پنجم جود و سخاوت بست و ششم زهد و ورع بست و هفتم حسنه و نیکی در حق مردم بست و هشتم سخندانی و شعر فهمی بست و نهم عدالت و نصفت سی ام شجاعت و جوانمردی سی و یکم حق گزاری و خدمتگاری مخدوم سی و دوم قدردانی خادم نوع دوم در بیان بهترین زنان بحسب خلقت اعضا و صورت از انجمله آنچه سرخ باید هفت عضو است اول ناخن دوم چشم سوم لب چهارم کام پنجم زبان ششم کف دست هفتم کف پا و آنچه باریک و تنگ باید پنج است

اول بندهای اعضا و مفاصل دوم دندان سوم جلد بدن چهارم ناخن پنجم
موی و آنچه پر و فربه باید سه است اول پیشانی دوم خساره سوم سینه و آنچه دراز
باید پنج ست اول بینی دوم فاصله هر دو پستان سوم چشم چهارم زنخ پنجم
بازو و آنچه کوتاه باید چهار ست اول کتف و دوش دوم ذکر سوم ران چهارم
گردن و آنچه بلند باید پنج ست اول پیشانی دوم چهره سوم ناخن چهارم سینه پنجم
بینی و آنچه عمیق باید سه ست اول ناف دوم آواز سوم عقل پس عقل مشترک
باشد میان سیرت و صورت و اعضای مذکور که در هر دو نوع ذکر یافت مشترک
باشد میان مرد و زن مگر بعضی چیز که مخصوص مردست مثل شجاعت و درازی
و کوتاهی ذکر و غیر آن **شعبه دوم** در معرفت علامات خیر و شر و سعادت
و شقاوت و آن متنوع ست بسه نوع **نوع اول** در معرفت علامات خیر و شر
و سعادت و شقاوت بحسب خلقت اعضا از سر تا پا بدین تفصیل پیشانی بلند
علامت بخت آوری و دولتمندی بود و پیشانی کشاده بحد اعتدال و هموار و خوش اندام
مثل نصف ماه علامت سلطنت و دولت بود و پیشانی پهن و کشاده علامت
علم و دانش بود و پیشانی تنگ و پست علامت کوتاهی عمر و بدبختی باشد و پیشانی
ناهموار و پست و بلند علامت رنج و محنت و گذرانیدن عمر بسختی و دشواری

بود شواری باشد و خال بر پیشانی علامت بخت اوری بود و سبب خرد در سر
یعنی در منتهای منبت موی سر مقابل ابرو و طرف چپ و راست سر که موی باشد
علامت بختاوری بود ابروی کشیده و خوش خم و دنباله دار علامت دولت
و سلطنت بود و ابروی پیوسته علامت دزدی باشد و ابروی بیموی و کم مو
علامت نکبت و فلاکت بود اگر استخوان میان هر دو ابرو بسیار بلند برآمده باشد
علامت دولت و سلطنت بود چشم سیاه و سفید که رگهای سرخ در وی پراکنده
باشد علامت شاهد پرستی و نظربازی و بهره مندی از زنان بود خصوصا
اگر خال سیاه بر سطح بیاض دیده باشد چشمیکه برنگ چشم شیر بود یعنی اندک
میکاوی زند علامت شجاعت و تهور باشد و چشمیکه مثل چشم گاو و کلان بود
و بیضهٔ دیده اش بلند برآمده باشد علامت وقاحت و بی شرمی بود و چشمیکه
مثل چشم گربه ازرق و کبود و سبز رنگ باشد علامت بدخلقی و بیمروتی
بود خصوصا اگر گرد حدقه مثل زنار دارد مانند سنگ سلیمانی طوقی دیگر باشد
و مع هذا اگر آن مرد کوسج بود بدتر باشد بینی دراز بلند باندام علامت دولت
و سعادت بود و بینی مثل منقار طوطک که اندکی نشسته دارد و از پیش خمیده و
میانه باندام بود آن نیز علامت دولت و سعادت بود و هر بینی که در درازی

وکوتهی وبلندی وپستی وباریکی وفربهی میانه وخوش اندام وخوشنا بود علامت نیک باشد وبینی بسیار بلند وباریک وپشته دار علامت سبکساری وبینی پست وپهن علامت شهوت بود وبینی که از میان وازپیش وپس بلند باشد علامت شرارت وبدذاتی بود وبینی باریک کج چنانچه سر بینی وپر افتاده باشد علامت بدخلقی وبدرویی بود وبینی گنده وفربه وفراخ علامت نخوت وتکبر بود وهر بینی که در درازی وکوتاهی وباریکی وفربهی وبلند وپستی از حد اعتدال متجاوز بود پسندیده نباشد گوش کلان وپهن علامت عمر دراز باشد وگوشیکه در درازی وکوتاهی ولاغری وپهنا وری بحد اعتدال بود علامت سعادت واخلاق پسندیده باشد وموی بر گوش علامت رنج ومحنت بود وکام وزبان سرخ علامت دولت ومال بود وکام وزبان سفید علامت نکبت وفلاکت باشد وزبان سیاه علامت شقاوت وبدبختی باشد وزبان فربه وخشک علامت دروغگویی باشد لثه سیاه یعنی گوشت بن دندان که سیاه باشد علامت دولت ومال بود ولبهای سرخ علامت سعادت ودولت بود ولبهای سیاه علامت نکبت وبدولتی باشد اگر لب زبرین کج باسطبر باشد علامت رنج ومحنت بود ودندانهای خرد وباریک بحد اعتدال مثل

مثل دندانهای انار علامت دولت و سعادت بود دندانهای براق و جلادار
علامت دولت و مال بود یا علامت فقر و ترک دنیا باشد دندانهای ریزو
و بی جلا و کم و زیاده و از هم پراکنده و دراز و فاصله از مثل دندانهای
خرس و خوک این همه علامت رنج و محنت و نکبت و فلاکت بود دندانهای
بالای دندان پیسته علامت دولت و مال باشد دندانهای ناهموار علامت علم
و هنر بود سی و دو دندان علامت دولت و عیش و عشرت باشد سی و یک دندان
علامت دولت و سلطنت و سی دندان علامت نیک باشد و بیست و نه دندان
علامت رنج و محنت بود و دندان زیاده از سی و دو و کم از بیست و نه علامت
ظلم و بی رحمی و قساوت قلب بود زنخ مدور خوش گوشت و درازی و کوتاهی
و فربهی و باریکی میانه علامت سعادت و دولت بود و خال بر زنخ علامت
زنانگی و زن طبعی بود و باید که مردان بران بوسه زنند رخسار نازک
خوش گوشت علامت دولت بود اگر در وقت سخن گفتن و خندیدن بر رخسار گو
افتد علامت سعادت و دولت بود چهره باریک خوش گوشت مایل بدرازی
علامت شرم و حیا بود دهان تنگ مثل غنچه گل علامت سعادت و دولت بود
و دهان مثل موش و سپ علامت نکبت و فلاکت بود گردن باریک علامت

بینی
لب
چهره
دیگر علامات

زیرکی و دانائی بود و گردن فربه و کلفت علامت نکبت و فلاکت بود و گردن
مثل گردن غاز یعنی دراز و باریک و غضروف حلقوم از پیش بر آید علامت نکبت
و فلاکت و بزه دکنا باشد گردن کوتاه علامت شیطنت و شرارت بود و گردن
دراز از حد زیاده علامت دزدی باشد و گردنیکه در درازی و کوتاهی و فربهی
و باریکی میانه و بحد اعتدال باشد علامت سعادت و دولت بود و قفا مثل قفای
فیل یعنی اندکی بر آمده و نشسته دار علامت نکبت و فلاکت است پشت خرد و میانه (یعنی پس گردن)
علامت سلطنت و دولت بود و پشت دراز متجاوز از حد اعتدال علامت
نکبت و فلاکت باشد بازو های دراز علامت هوشمندی و دانائی بود و بازوی
خورد علامت بندگی و غلامی بود و بازو و در درازی و کوتاهی و فربهی و باریکی
میانه علامت سعادت و دولت بود اگر دست راست از دست چپ دراز
بود علامت شجاعت و تهور باشد و اگر دست چپ از دست راست درازتر بود
علامت جبن و بددلی باشد آرنج مثل آرنج شیر یعنی پر گوشت و خوش اندام
علامت دولت بود و آرنج مثل آرنج اسپ یعنی قوی و پر گوشت علامت
شهوت و دولت باشد و آرنج خشک و باریک مثل آرنج بوزینه علامت نکبت
و فلاکت بود اگر بندگاه پنجه دست مثل شیر بود و چنانچه ساعد پنجه دست یکسان نماید

نماید علامت دولت و تہور و شجاعت باشد خال سیاه در کف دست چنانچہ
اگر مشت به بندد در مشت بیاید علامت دولت و مال و نعمت بود چون انگشتان
دست را باہم متصل ساختہ راست بدارند اگر در پنج انگشتان پائین ہر دو
انگشت فاصلہ نماید و دریچہ دراز نماید علامت آنست کہ آنکس صاحب تصرف
بود و مال پیش او جمع نشود و اگر فاصلہ نماند دریچہ نماید علامت آنست کہ
آنکس ممسک باشد و مال پیش او جمع شود و اگر انگشت خنصر دست راست دراز باشد
چنانچہ از بند اول انگشت بنصر بگذرد آنکس در دولت و نعمت از پدر خود زیادہ
گردد ہر دو پستان فربہ علامت دولت و مال بود اگر پستان چپ فربہ
تر از پستان راست باشد او را زن خوب نصیب گردد و پستان لاغر کم
گوشت علامت نکبت و فلاکت بود ہشت استخوان در پہلو علامت سلطنت
و پادشاہی بود و نہ استخوان در پہلو نیز علامت سلطنت و دولت بود
و دہ استخوان در پہلو علامت فقر و درویشی باشد و یازدہ استخوان در پہلو
علامت کمال زہد و پرہیز بود و دوازدہ استخوان در پہلو علامت رنج
و محنت و فلاکت بود و سیزدہ استخوان در پہلو علامت دولت و مال بود
و چہاردہ استخوان در پہلو علامت بزدی و گناہ باشد شکم کلان علامت

پنج انگشت

انگشت

پستان

استخوان

پہلو

شکم

نعمت و مال بود و شکم پر گوشت خوش اندام نیز علامت نعمت و دولت باشد
و شکم دراز بی گوشت و بگور رفته و با پشت چسپیده علامت نکبت و فلاکت بود
ناف عمیق خوش گوشت علامت دولت و مال بود و ذکر بسیار دراز
علامت نکبت و فلاکت باشد و اگر ذکر از طرف راست بلند تر باشد
زن خوب و نیک بخت نصیب او گردد و اگر از طرف چپ بلند تر باشد او را
فرزندان و اولاد بسیار شود اما از زن خوب بی نصیب باشد و در رنج و محنت
بود و اگر سر ذکر بلند و پشت آن پست تر گردد زن خوب نصیب او شود و
و بعیش و عشرت بگذراند و اگر بعکس این بود یعنی پشت ذکر بلند تر باشد
و سر آن پست تر بعکس آن باشد یعنی از لذت جماع محروم گردد و زن
از وی ناخشنود ماند خال سیاه بر ذکر علامت عیش و عشرت با زنان
بود و اگر منی کسی بوی بهی داشته باشد علامت کثرت اولاد و فرزندان
و مال و دولت بود و اگر بوی شهد داشته باشد علامت عیش و عشرت
با زنان بود و اگر بوی مست و تلخ داشته باشد طبیعت آن مرد بر فسق و
فجور و زنان راغب و مائل بود و در وقت بول کردن اگر یک فواره از ناره
جهد علامت دولت بود و اگر دو فواره جهد علامت علم و دانش باشد

باشد و اگر سه فواره جهد علامت زهد و تقوی و پرهیز بود و اگر چهار فواره جهد علامت نکبت و فلاکت باشد رانی که مثل ران آهو باشد یعنی پر گوشت و خوش اندام بود علامت دولت و سعادت بود و ران مثل ران اسپ یعنی دراز و قوی و پر گوشت علامت دهقانی و کشاورزی بود و ران مثل ران شیر یعنی مختصر و قوی و پر گوشت علامت دولت و مال بود و ران بسیار دراز کم گوشت و بسیار خرد و فربه بد اندام علامت بزه و گناه باشد موی بسیار بر ران علامت خواهش و رغبت بر زنان باشد و اگر موی بالکل نباشد علامت نکبت و فلاکت بود و اگر در هر مسام یک موی رسته باشد علامت دولت بود و اگر دو موی در یکجا رسته باشد علامت علم و دانش بود و اگر سه موی در یکجا رسته باشد علامت عبادت و خداپرستی باشد و اگر چهار در یکجا رسته باشد علامت نکبت و فلاکت بود و مویهای درشت و کنده در بدن مثل موی گاو و فیل علامت علم و دانش و شهوت باشد و مویهای نرم و باریک علامت رنج و محنت بود و مویهای دراز در بدن علامت درازی عمر بود و مویهای خرد و کوتاه علامت نکبت و فلاکت باشد ساق پای پر گوشت خوش اندام علامت دولت بود

ران

موی ران

ساق

وساق ہای قوی مثل ساق جاموس علامت آنست کہ زن خوب نصیب شود
وساق ہای خشک کم گوشت علامت نکبت و فلاکت باشد زانوی
کلان خوش گوشت علامت دولت و عیش و عشرت باشد و زانوی کلان
بسیار گوشت علامت نکبت و رنج و محنت باشد و زانو مثل زانوی شیر و یوز
علامت سلطنت و دولت بود و زانو مثل زانوی آہو و موش و خوک
نیز علامت دولت باشد و زانو مثل زانوی بوزینہ و خوک و خرس و شغال
علامت نکبت و فلاکت بود و پاشنہ ہای درازی و کوتاہی و فربہی و لاغری
میانہ علامت دولت بود و پاشنہ پر گوشت علامت دزدی بود و پاشنہ
دراز در رنج و فلاح میانہ باشد و بسیار خرد علامت نکبت و فلاکت باشد
پشت پا خوش گوشت خوش اندام مثل پشت کشف علامت سعادت
و دولت بود کف پا کم گوشت کہ میانہ کف پا بر زمین نباشد و کاواک
ماند علامت سعادت و دولت بود و کف پا پر گوشت کہ میانہ کف پا
بر زمین رسد و ہیچ کاواکی نماند علامت بید ولتی باشد و در زنان بعکس آن
باشد ناخنہای دراز نصفے سرخ و نصفے سفید و انگشتان ہموار و باہم
ملاصق و مجتمع چنانکہ قدری فرجہ نباشد علامت سعادت و دولت بود و ناخنہای

ناخنهای پا پیچیده و از هم ترکیده و ناهموار و سفید یا زرد و پنجه پا پهن و انگشتان
از هم جدا علامت بدولتی بود و ناخنهای پا که بسیار سیاه باشند علامت بدخوی
و بند و زنجیر و سرگردانی و پریشانی بود و انگشتان پا خرد و کوتاه علامت بدخولی
بود و بغایت خرد و کوتاه علامت دزدی بود و انگشت ابهام که از انگشتان
دیگر جدا و بفاصله باشد علامت رنج و محنت و مشقت و جنگجولی باشد
و انگشت میانه پا که از انگشت سبابه درازتر بود علامت آنست که زن نیک
نصیب او شود و اگر انگشت بنصر پای از انگشت میانه و سبابه درازتر بود
علامت آنست که زن خوب و نیک نصیب او شود و علم و دانش آموزد
و اگر انگشت خنصر پا درازتر بود علامت آنست که مردم برو طعن زنند
و مذمت کنند و اگر انگشت مذکور خردتر بود علامت علم و دانش باشد

استخوانهای دست و پا و غیر ذلک دراز و خوش گوشت
باشد علامت سعادت و دولت و راحت و آسودگی بود و استخوانهای
دراز خشک کاواک بی گوشت علامت نکبت و فلاکت بود و استخوان
خرد و کوتاه بسیار گوشت نیز علامت نکبت و فلاکت باشد **خون**
بدن که سرخ خوشرنگ باشد علامت دولت بود و اگر مائل بکدورت

تیرگی

و سیاہی بود علامت عیش و عشرت باشد و اگر نیم رنگ بر نگ گلگون بود علامت
رنج و محنت و کثرت اولاد دختران باشد آواز مثل آواز ہنس علامت
سعادت و دولت بود و مثل آواز طاؤس یعنی بسیار بلند و صاف و خوش
نیز علامت دولت بود و مثل آواز قوچ علامت شہوت و مستی بود و آواز
درشت منتشر مثل آواز دہل علامت نکبت بود **نوع دوم** در بیان معرفت
خطوط دست و پا و غیرہ یک خط در پیشانی بعرض یعنی از شقیقہ تا شقیقہ
علامت دولت و مال بود و دو خط علامت سلطنت و درازی عمر بود
و چہار خط علامت بیدولتی و درویشی باشد و پنج خط نیز علامت بیدولتی
بود و عدم خط در پیشانی علامت ترک دنیا باشد و نیز گویند پنج خط در پیشانی
علامت صد سالہ عمر باشد و چہار خط علامت ہشتاد سالہ عمر و سہ خط علامت
شصت سالہ عمر و دو خط علامت چہل سالہ عمر و یک خط علامت بست سالہ
عمر و عدم خط علامت کم عمری بود و خط مثلث در پیشانی یا خط راست
قایم مثل حرف الف علامت ریاست و مہتری بود و زنان او را دوست
دارند یک خط در گلو علامت علم و دانش بود و دو خط علامت ہنرمندی
باشد و سہ خط علامت ہوشمندی و دانائی بود یک خط در بندگاہ دست و نزدیک

نزدیک پنجه علامت سعادت و دولت بود و دو خط علامت علم و دانش بود و سه خط علامت کمال زهد و ریاضت بود در کف دست خطوط بشکل خندق یا قلعه یا برق علامت تجارت و بازرگانی و مالداری بود بشکل ماهی علامت دولت و نعمت و فتح الباب باشد و بشکل دیگدان علامت وزدی بود و خطی بشکل هلال یا یک فیل علامت دولت و مال و تهور و شجاعت باشد و بشکل تیغ در کف دست علامت تهور و شجاعت بود اما اکثر در بند زندان باشد و بشکل مثلث در کف دست علامت دولت و مال بود و پس اگر خط مذکور از طرف زیر کشاده باشد یعنی خط ایطرف سراسر رسیده و احاطه تامه نکرده باشد بلکه از میان گسسته بود علامت آنست که مال بفسق و فجور در بزنان فاحشه و قحبه تلف کردد و اگر کشاده باشد علامت آنست که مالش بدزدی رود یا بسوختن و غرق شدن و امثال ان تلف کردد و اگر پشت از طرف بالا کشاده باشد علامت آنست که اصلا مال بدستش نیاید و همیشه نکبت و فلاکت بکذراند بهر حال درست و سالم بودن خط مذکور از پشت علامت جمع شدن دولت و مال و کشاده و ناقص بودن آن علامت تلف شدن مال است و اگر خطی از بن کف دست بالا رود و بانگشت سبابه یا وسطی برسد علامت

دولت و مال بود و اگر آن خط بر خط شکست بگذرد و بغایت نیکو باشد و خطیکه
از نزدیک بیخ انگشت خنصر بالا رود پس اگر آن میان سبابه و وسطی منتهی گردد
و از هیچ جا گسسته و منقطع نشده باشد علامت درازی عمر بود و درازی
و کوتاهی عمر را درازی و کوتاهی این خط معلوم نماید و بر کنار کف دست
مابین خط مذکور و خنصر هر قدر که خطهای خرد باشد همان قدر دلالت بر زنان
کند که بنکاح او درآیند اگر یکی باشد یکزن و اگر دو باشد دو زن و بر زیاده بر این
و مابین خط مسطور و بند دست بر کنار کف است هر قدر که خطوط خرد باشد
بر همان قدر عدد فرزندان دلالت کند دراز بر پسران و خرد بر دختران
و در زیر بیخ انگشت ابهام تا نصف کف است در عرض خطوط خرد
بر اولاد و فرزندان دلالت کند و خط بندهای انگشتان که بشکل جو بود کشاده
و فراخ و علامت فراخ دستی و همت و خرج بسیار بود و خطیکه بشکل لجک فیل
در کف پا باشد علامت سلطنت و دولت بود و خطیکه از پاشنه پا بالا رود
و با انگشت ابهام منتهی گردد علامت دولت و نعمت بود و اگر خط سه شاخه
در بطن انگشت وسطی باشد علامت عیش و عشرت باشد و اگر در بطن انگشت ابهام
بود علامت فسق و فجور بر زنان باشد و اگر در بطن خنصر بود علامت نه هر و به ضیعت

و ریاضت و عرفان باشد یک چکر در انگشتان بست و علامت دولت و مال بود و دو
چکر علامت علم و هنر باشد و سه چکر علامت دولت و سعادت بود و چهار
چکر علامت فلاکت و نکبت بود و پنج چکر علامت هنر و عیش و فلاح بود
و شش چکر علامت شهوت و لذت و عیش و عشرت باشد و هفت چکر
علامت شجاعت و تهور باشد و هشت چکر علامت خشم و غضب باشد و
چکر علامت دولت و سلطنت بود و ده چکر در بطن انگشتان هر دو دست
علامت دولت و فتح الباب باشد یک سنکه در بطن سر انگشتان دست و
علامت دولت و راحت بود و سنکه بالفتح خطوط تو بر تو در بطن سر انگشت
شبیه بچکر مائل بدرازی سر انگشت و دو سنکه علامت نکبت و فلاکت باشد
و سه سنکه علامت دریوزه گری و گدائی بود و چهار سنکه علامت علم و هنر باشد
و پنج سنکه علامت نکبت و فلاکت بود و زیاده بر پنج سنکه تا ده سنکه علامت
دولت و سلطنت باشد یک پدم در بطن انگشتان دست تا چهار پدم
علامت دولت و مال بود و پدم بفتح اول و سکون ثانی و میم خطی بود بشکل گل
چهار برگی و از چهار پدم تا نه پدم علامت دولت و طالع مندی بود و ده
پدم در انگشتان هر دو دست علامت کمال فقر و دانش و زندگی دنیا باشد

گوری در بطن انگشتان نیست از یکی تا پنج علامت زهد و ورع و تقوی
و پرهیز باشد و زیاده از پنج تا ده علامت کمال درویشی و فقر و عرفان بود
گوری بفتح کاف خطوطی باشند بشکل خرمهره و خطوط طالب بسیار در کف دست
زیاده بر سه خط علامت محنت و رنج و کذب و دروغ گوئی بود و پوشیده
نماند که در دیدن خطوط دست و پا در مردان طرف راست اعتبار کنند و در
زنان طرف چپ **نوع سوم در بیان قد و قامت** باید دانست که قد پنجاه
و دو انگشت علامت کمال فضل و عزت و اعتبار باشد و اما دلالت بر درویشی و
دریوزه نیز کند و مقدار هشتاد انگشت علامت دزدی و بی اعتباری و فریبندگی
و حرص و طمع و بدفعلی و بدعملی باشد و مقدار نود انگشت در مرتبه ادنی بود و مقدار
صد انگشت در مرتبه اعلی و قدیکه مقدار نود انگشت باشد دلالت بر سی ساله
عمر کند و از نود انگشت تا یکصد و ده انگشت آنچه بیفزاید بهر انگشتی پنج سال
عمر بیفزاید مثلا قد نود و یک انگشت دلالت بر سی و پنج ساله عمر کند و نود و دو
انگشت بر چهل ساله عمر و علی هذا القیاس تا یکصد و ده انگشت بهر انگشتی پنج سال
بیفزاید چنانچه یکصد و ده انگشت دلالت بر یکصد و سی ساله عمر کند و از یکصد و ده انگشت
تا یکصد و بیست و دو انگشت آنچه بیفزاید بهر انگشتی هفت ساله عمر بر یکصد و سی سال عمر بیفزاید چنانچه

چنانچه قد یکصد و یازده انگشت دلالت بر یکصد و سی هفت ساله عمر و قد یکصد و دوازده انگشت دلالت بر یکصد و چهل و چهار ساله عمر کند علی هذا القیاس هر انگشتی هفت ساله عمر بیفزاید چنانکه یکصد و بیست انگشت قد دلالت بر دو صد ساله عمر کند و چون از یکصد و بیست انگشت قد بیفزاید عمر جاودانی یابد و علم ازلی حاصل کند والله اعلم **فصل دوم** در معرفت قیافه زنان از پای تا سر بدین تفصیل **کف پای** نرم و خوش گوشت چنانکه چون پای بر زمین گذارد تمام کف پای بر زمین برسد و نقش پای درست ظاهر گردد علامت سعادت و دولت بود و اگر میانه کف پای بر زمین نرسد علامت شقاوت و بیوگی بود و پشت پای خوش گوشت و هموار مثل پشت کشف علامت سعادت و دولت بود و خشک و دراز و کاواک علامت محنت و فلاکت بود شکل پدم یعنی گل کول و چکر یعنی دائره تو بر تو در کف پای علامت سعادت و دولت بود و هر چند شکل پدم و چکر بر کف پای بیشتر همانقدر سعادت و دولت زیاده تر و اگر در کف پای شکل چتر یا چکانیل باشد علامت سلطنت و سعادت و دولت باشد آن زن البته پادشاه شود یا هر که او را نکاح در آرد آن کس بدولت عمده برسد و اگر شکل سنکه باشد یعنی دائره مائل بدرازی شبیه بچکر علامت

غصه وری و بدخوئی و بدخلقی بود و اگر در میانه کف پای خطی بود دراز چنانکه
از پاشنه تا انگشتان پای برسد چنانکه در فصل اول ازین باب گذشت علامت
سعادت و دولت بود و اگر انگشت ابهام پای باریک و سرخ بود علامت
آن بود که آن زن در رضاجوئی و فرمانبرداری و اخلاص مندی شوهر بسیار
کوشد و فربهی و کندگی ابهام پای علامت آن بود که آن زن زود بیوه
گردد و اگر انگشت سبابه پای درازتر از انگشت ابهام باشد علامت آن بود
که آن زن پرشهوت باشد و مرد بیگانه را بسیار دوست دارد و اگر از حد
زیاده دراز باشد آن زن در وقت دوشیزگی بدکاره بود و اگر انگشت مذکور
خرد باشد علامت بدخوئی و بدخلقی بود و اگر انگشت وسطی پای درازتر باشد
علامت بدفعلی بود بعضی گویند زود بیوه گردد و اگر آن انگشت از پای راست
بزمین نرسد آن بلیتی شوهر بی اعتبار بود و شوهر گفته او را قبول نکند و اگر
همان انگشت از پای چپ بزمین نخورد علامت دولت بود و اگر انگشت بنصر
پای از وسطی درازتر بود آن زن بیوه گردد و اگر انگشت مذکور خردتر باشد
علامت بدخلقی و بدخوئی بود و اگر همان انگشت بزمین نرسد و معلق ماند دو شوهر
کند و اگر انگشت خنصر پای درازتر بود دلیل بشیری و بیحیائی بود و آن زن

زن شوهر بسیار کند و اگر خرد تو بر تو و بر زمین نخورد و نیز علامت بد فعلی بود و البته
شوهر دیگر کند و اگر انگشت مذکور از پای چپ بر زمین نرسد علامت سعادت و بخت بود
و هر کس او را دوست دارد و اگر چهار انگشت پای بر زمین نرسد چهار شوهر او را میسر شود
و پاشنه پای اگر دراز باشد شوهر او را بسیار دوست دارد اما از شوهر جدایی بسیار
کشد و دیور او را یعنی برادر خرد شوهرش را بیم هلاک باشد و اگر گنده و سطبر باشد
علامت نکبت و فلاکت بود و اگر از طرف راست اندکی فربه و گنده بود علامت
شرم و حیا و عصمت و عفت باشد و پاشنه میانه و نرم و نازک علامت دولت
و سعادت بود شتالنگ (ٹخنا ۱۲) گنده و بلند مثل شتالنگ گاومیش علامت قید
و زنجیر و شلاق (زدوکوب ۱۲) شوهر باشد ساق پای خوش گوشت و کاودم و صاف و بی موی
علامت سعادت و دولت بود و ساق سطبر و پر موی علامت پرستاری
بود و ساقی که مثل ساق زاغ و اندک موی باشد و مویش مثل موی خرس بود شوهرش
همیشه پریشان احوال باشد و اگر در وقت راه رفتن از ساقش و بازو و کمرش
آواز بر آید فرزندش نزید و شوهرش بمیرد و زنیکه اندام نهانی او پست و بلند باشد
آن زن بدکاره بود و شوهر بسیار کند و اگر مانند پشت کشف باشد یعنی بلند
پشته دارد و خوش گوشت و خوشنما باشد علامت سعادت و دولت بود

واگر بلند باشد نیز علامت دولت بود و اگر خرد باشد علامت توانگری و مالداری بود و مع هذا اگر درشت و سخت و پر موی مثل موی فیل باشد آن زن البته کنیز و پرستار گردد و اگر از جانب راست اندکی بلند باشد علامت نیک بود اما بسیار پسران زاید و اگر دراز و خشک و بی گوشت باشد علامت شقاوت و ملالت و فلاکت باشد و اگر بر پیشانی اندامش بهو نری باشد او را فرزندان صاحب دولت بسیار باشند و اگر بجانب راست اندامش یا بر پیشانی آن خال سرخ باشد علامت دولت و سلطنت بود و اگر داغ سیاه باشد و مع هذا دراز بود علامت رنج و محنت باشد و سرین پر گوشت و بلند و پهن علامت سعادت و دولت بود و کمر باریک مثل کمر شیر و یوز علامت سعادت و دولت بود و کمر فربه و ستبر علامت اندیشه بود و ناف عمیق علامت آنست که شوهرش بسیار بخواهد و دوست دارد و ناف مدور خوش گوشت علامت عیش و عشرت بود و اگر در ناف چند چین باشد و موی شکم برنگ طلا باشد علامت سعادت و دولت بود و آن زن البته پادشاه شود و اگر از سر ناف تا زیر خطی باشد از موهای نرم و باریک علامت دولت و سعادت بود اگر ناف جانب راست اندکی بلند بود علامت سعادت و دولت بود و اگر

واگر بر نافش خال زرد مثل زعفران باشد علامت دولت بود و پسران زاید
و ناف کم گوشت برون برآمده علامت نکبت و فلاکت بود و شکم خوش گوشت
خوش اندام ماهی پشت علامت سعادت و دولت بود و شکم که مانند پشت غوک
یعنی پهن و پر گوشت باشد علامت پسر زائیدن و صاحب دولتی باشد و اگر
بر شکم رگهای نیلگون نمودار باشد خواه زن باشد خواه مرد علامت سلطنت و
دولت بود و اگر رگهای سرخ بود علامت بد فعلی و تجبکی باشد و اگر مرد باشد
علامت فسق و فجور و زنا بود و اگر بر شکم لاهسن یعنی لکه سیاه باشد علامت فقر
و درویشی و سرگردانی بود خواه زن باشد خواه مرد و اگر بر سینه رگهای سرخ باشند
علامت علم و دانش و دولت و مال بود و شوهرش بسیار دوست دارد و سینه بلند
و تنگ علامت رنج و محنت بود و پشت بلند علامت پرستار رنج بود و پشتی که مثل پشت
کلنگ باشد یعنی اندکی پشته دار علامت قوادگی و دلالگی باشد و پشتی که مثل
پشت آهو باشد علامت سعادت و دولت بود و موی بر پشت علامت نکبت
و فلاکت بود و بهو نزری بر پشت علامت رنج و محنت بود و شوهران بسیار را هلاک سازد
و لهسن بر پشت یعنی داغ سیاه علامت دولت و سعادت بود و اگر بر پشت
رگها نمودار باشد علامت درازی عمر بود و پشت دراز کاواک علامت

رنج و محنت و فلاکت بود و پستان زن خوش قبه و خوش گوشت و سخت خصوصا
که در گاه باران نمودار باشد علامت سعادت و دولت بود و شوهرش
بسیار دوست دارد و پستان دراز پر گوشت علامت فرزندان و اولاد بسیار
بود و پستان بسیار دراز کم گوشت علامت رنج و محنت و فلاکت بود و خرد
و کم گوشت نیز مثل خریطه خالی نیز علامت نکبت و فلاکت باشد و پستان
بلند بی اندام و درشت ترکیده جلد علامت کنیزی و پرستاری بود و درشت
جلد سرخ رنگ علامت بی فرزندی باشد و اگر زیر پستان خال سرخ یا سیه
سرخ واقع شود آن زن اول پسر زاید خصوصا که خال یا سیه جانب چپ باشد
و اگر آن خال بر پهلو یا بر کله یا بر گوشت یا بر پوست جانب راست باشد نیز
علامت همین حکم دارد و اکثر پسر زاید و اگر یک پستان سخت باشد و دیگر
نرم یا یکی کلان و دیگر خرد علامت رنج و محنت و غم و اندیشه بود و کف دست
خوش اسلوب و خوش گوشت و خوش اندام و نرم و نازک و کف دست
سرخ مثل گل علامت سعادت و دولت بود و خشک کم گوشت و کاواک
و سیاه بالعکس آن باشد ناخن پشته دار و همه از مثل پشت کشف باریک و سرخ
رنگ و براق مثل برگ گل علامت سعادت و دولت بود و ناخن سطبر و درشت و خرد

و فرو نشسته و بجلا ناهموار و ترکیده و زرد یا سیاه رنگ همه بر عکس این باشد
و اگر در کف دست نشان علم یعنی کل کول و چتر و بیرق و ماهی و مالا یعنی تسبیح و
کوڑی یعنی خرمهره باشد علامت سعادت و دولت بود و آن زن البته دختر پادشاه
شود یا شوهرش به دولت عظیم برسد و باقی خطوط دست زن مثل خطوط دست مردان
می باشد مگر در مردان دست راست معتبر است و در زنان دست چپ چنانکه در
نوع دوم از شعبۂ اول گذشت **گردن و گلو** که مثل گردن و گلوی آہو
باشد علامت سعادت و دولت بود و گردن کوتاه و باریک یا بسیار
سطبر و فربه علامت رنج و محنت و فلاکت بود و گلوئی که حلقوم دراز و
سطبر و بد اندام علامت محنت و فلاکت بود **زنخدان** میانه خوش گوشت
و مدور علامت سعادت و دولت بود خصوصا که چاه داشته باشد و زنخدان
دراز و کم گوشت علامت نکبت و فلاکت بود و اگر مع هذا بر زنخدان موی
باشد بدتر بود و بیوه گردد و غبغب خوش گوشت که یک چین داشته باشد
علامت سعادت و دولت بود و **لبهای** سرخ و باریک بحد اعتدال
علامت سعادت بود و لبهای سیاه و دراز علامت فلاکت و بیوگی بود
و اگر مع هذا بر پشت لب موی باشد مثل بروت مردان بدتر بود و

گردن
زنخدان
تعیب
لب

و آن زن تمام عمر در بیوگی و نکبت و فلاکت بگذراند و دهان تنگ مثل غنچه گل
یا دهان سیته علامت سعادت و دولت بود و دهان فراخ و دراز چنانچه در وقت
خنده همه دندانهای کرسی نماید علامت رنج و محنت و فلاکت بود و دندانهای پیشین
خرد و براق و ابدار مثل دانه انار علامت سعادت و دولت بود و دندانهای
بس نمایه و بلند و بیجا علامت نکبت و فلاکت بود و دندانهای ناهموار
و پست و بلند علامت آنست که فرزندانش نزیند و بمیرند لثه یعنی سیاه و
سیاهی گوشت بیخ دندان علامت نکبت و فلاکت بود و بعضی بالعکس گفته اند
زبان سرخ و باریک علامت سعادت و دولت بود و زبان سطبر آمده
و سفید و درشت علامت نکبت و فلاکت و بیوگی بود و آن زن همیشه بیوه
باشد و اولادش نزید و زبان سیاه علامت جنگ آوری و بدخلقی
و بدخوئی و بدبینی زبان بود یعنی هر که لعن گوید و هر سخن بد که از زبان آن بر آید
اثر آن بود و ظاهر شود و کام سرخ میانه گوشت علامت سعادت و دولت
بود و کام سفید علامت کنیزی و پرستاری بود و کام زرد علامت
فسق و فجور بود و رو نکوئی باشد و کام سیاه علامت نکبت و فلاکت بود
بود و کام فربه و پر گوشت علامت بی دولتی باشد یعنی میانه و خوش

بود خوش اندام مثل منقار طوطک و غنچهٔ گل چنبا و غیر آن علامت سعادت و دولت بود
و بینی خرد و فربه و از پیش فرو افتاده علامت کنیزکی و پرستاری بود و بینی
پهن مثل بینی گربه علامت فسق و فجور و بدکاری بود و اگر سر بینی بسیار دراز
و نوکدار باشد علامت خشم و غضب و بدخلقی بود و اگر در رخسار بوقت سخن گفتن
یا خندیدن مغاک افتد مادر و پدر آن زن بمیرند و بعضی گویند آن زن شوهر
خود را خوش نکند و دیگری را بخواهد و خودکام باشد چشمهای دراز و بغایت
سیاه و بقیهٔ چشم نهایت سفید و رگهای در و باریک سرخ و سفیدی چشم
و پاکیزه و آبدار و پر شرم علامت سعادت و دولت بود و چشمهای سرخ علامت
رنج و محنت بود و چشمهای ازرق علامت بدکاری و بدعملی و شرارت و بدذاتی
باشد و چشمهای مائل بزردی علامت عقل و شعور بود اما زود بیوه گردد ابرو
دراز کشیده و خمیده و خوش موی و بناله دار علامت سعادت و دولت باشد
و ابروی کج کوتاه و بی‌موی و کم موی علامت رنج و محنت و فلاکت و بیوگی بود
و ابروی پیوسته که میان هر دو ابرو موی بسیار باشد علامت بدکاری و بدعملی و بیوگی بود
گوش پهن و کلان مثل نعلهٔ افشان علامت نکبت و فلاکت و بیوگی بود و موی کنار گوش
علامت نکبت و فلاکت باشد پیشانی که بمقدار سه انگشت یا چهار انگشت عریض بود

و دراز و بلند و هموار و از موی صاف و پاک بود علامت سعادت و دولت بود خال سیاه
در پیشانی علامت آنست که آن زن پنج پسر زاید و همه دولتمند باشند و اگر وقت خنده در
پیشانی چین نیفتد علامت دولت بود و اگر در پیشانی خطی مثلث ظاهر شود علامت
آنست که آن زن بر هزار زنان خداوندی و صاحبی حکم رانی کند و پیشانی
تنگ و پر موی علامت نکبت و فلاکت باشد موهای سر دراز و سیاه
و براق علامت سعادت و دولت بود و موهای سطبر و درشت علامت بیوگی
باشد و موی انبوه در سر و میگون مائل بزردی که پراگنده و پریشان باشد و بر دوش
و بر سینه افتد و بر فرق و سر نیز پریشان و ایستاده ماند علامت نکبت و فلاکت و
بدگوئی و بدخلقی بود موی در پیش سر علامت بیوگی و بدکاری و بدفعلی بود
و موی بر گردن علامت فلاکت و نکبت باشد و زنیکه بر چهره اش علامت
شجاعت و مردانگی ظاهر باشد و بر بدنش موهای بسیار باشد علامت کنیزکی و پرستاری
بود و موهای بسیار و درشت بر بدن مثل موی فیل و گاو علامت نکبت و کنیزکی و
پرستاری بود و اگر در عضوی بعضی جا نباشد و خم و پیچ خورده باشد علامت بیوگی
باشد چنانچه زیاده از شش ماه شوهرش نزید و در مسامی یکموی علامت نکبت
و دو موی عکس آن باشد اگر عرق بدن بوی خوش یا بوی تلخ مثل بوی حنظل و گل

دراز و بلند و هموار و از موی معاف و پاک بود علامت سعادت و دولت و جاه و مال
در پیشانی علامت آنست که آن زن پنج پسر زاید و همه دولتمند باشند و اگر وقت خنده در
پیشانی چین نیفتد علامت دولت بود و اگر در پیشانی خطی مثلث ظاهر شود علامت
آنست که این زن بر هزار زنان خداوندی و صاحبی و حکم رانی کند و پیشانی
تنگ و پر موی علامت نکبت و فلاکت باشد موهای سر دراز و سیاه
و براق علامت سعادت و دولت بود و مویهای سطبر و درشت علامت بیوگی
باشد و موی انبوه در سر و میگون مایل بزردی که پراکنده و پریشان باشد و بر دوش
و بر سینه افتد و بر فرق و سر نیز پریشان و ایستاده ماند علامت نکبت و فلاکت و
بدگوئی و بدخلقی بود و موی در پیش سر علامت بیوگی و بدکاری و بدفعلی بود
و موی بر گردن علامت فلاکت و نکبت باشد و زنیکه بر چهره اش علامت
شجاعت و مردانگی ظاهر باشد و بر بدنش موهای بسیار باشد علامت کنیزی و پرستاری
بود و موهای بسیار و درشت بر بدن مثل موی فیل و گاو علامت نکبت و کنیزی و
پرستاری بود و اگر در عضوی بعضی جا نباشد و خم و پیچ خورده باشد علامت بیوگی
باشد چنانچه زیاده از شش ماه شوهرش زنده و در مسامی یکموی علامت نکبت است
و دو موی بعکس آن باشد اگر عرق بدن بوی خوش یا بوی تلخ مثل بوی ... و کل

وکل لوطی یا بزیا گربه آید این همه علامت نکبت و فلاکت باشد و اگر بوی سیر و شاش کاو و مستی فیل و کند یک و زرنیخ و چهچوندر و ماهی آید و ریحه منتن و گندیده باشد و دماغ آنرا تحمل نتواند کرد این همه علامت نکبت و فلاکت و بیوگی و بی فرزندی واگر بوی الک یعنی لاکه آید او را زوج بهم نرسد و اگر بوی گل چینا باشد یا شهد آید علامت سعادت و دولت بود و اگر از دهانش روائح خوش و پسندیده آید نیز علامت خیر و سعادت ست و اگر روائح منتنه و گندیده آید علامت نکبت و فلاکت و یا خوردن شوهر باشد و زنیکه بسیار دراز بالا یا کوتاه یا بسیار خشک و لاغر یا بسیار فربه و برگوشت باشد علامت بد بود و زنیکه بسیار خواره و بسیار خواب یا پر گوی یا بسیار خاموش باشد و یا بی سببی حیران و فکر زده بماند و همیشه مغموم باشد و بیوجه بسیار خندد و یا بگرید و یا بسیار خشم گیرد علامت نکبت و فلاکت باشد و زنیکه در راه رفتن بسیار بجنبد و خم و چم بسیار داشته باشد و چشمهای شوخ و شنگ داشته باشد و دیده را در کاسه چشم بسیار بگرداند و پشت چشم نازک کند علامت بدکاری و عیاری بود و بهر تقدیر حسن خلقت و صورت و تناسب اعضا و حسن سیرت و مکارم اخلاق علامت سعادت و دولت بود و بالعکس ان عکس آن باشد والله اعلم

خاتمة الطبع

نتیجهٔ طبع قادر جناب افادت مآب ماهر بحر علم و فن واقف رموزات سخن مقبول بارگاه لایزالی

مولوی **محمد هادی علی** مدظله العالی

حمد خدائی که خلایق را بصورت خویش فرمود و علامات خیر و سعادت در جسم انسان منقوش ساخت که بر ابرا[ن] رنگ هستی بر رخسار ممکنات بست و از خامهٔ اختراعش نقوش گوناگون کرسی ایجاد نشست و در دو و بر آن سهر عزیزولها شاهد لعمری متناسب الاعضا که باکمال ملاحت رنگین آمد و در تصحیح جهانها یوسفی کرد نزم امکان بجمال جهان آرای تشریع سنت شد و کشت زار امید از پرتو حسن نیش تازه و شاداب علیه السلام و السلام و علی آله و صحابه الکرام بعد ازین مخفی نماند که این صحیفهٔ عزت نشان علامات سعادت و شقاوت کارنامهٔ بزرگان هوشمندان رسالهٔ **قیافه** مردان و زنان که علمی ست عجیب کاشف نکات شکوه سرار تکوین بشر در دیدهٔ هوشمند و تماشای قدرت یزدانی از آن میسر باهتمام انسان العین قرة عین الانسان بخت و دولت تاجر ذی مین شریف مولوی محمد **حسین** در مقام سرور شهر کانپور محلهٔ حیرمحال متصل چوک بمکان سیتارام صفار یازدهم ذیقعده [illegible] ۱۲۶[illegible] هجری ست سید الابرار علیه سلام و علی آله و صحبه ذوی المجد الکرام نقش صفحهٔ انطباع گردید

و رنگ ارتسام بر رو کشید